

خانه فردا

دکتر مهدی یاراحمدی خراسانی

دهه هشتادی یا نودی و یا عنوان‌های دیگری از این دست مطرح می‌شوند، در واقع شاید بیشتر از آنکه به تفاوت پنداری و کرداری فرزندان این نسل برگردد، به هراس و ضعف نسل‌های قبل‌تر در مواجهه با فرزندان عصر جدید مربوط می‌شود که در بسیاری از امور، به ویژه در چهار ویژگی زیر از آن‌ها بسیار جلوتر هستند:

۱. پیچیدگی و قدرت تحلیل ذهنی؛

۲. انتقال و سرعت عمل؛

۳. جسارت در خرق عرف و عادت؛

۴. ارتباط با فضای مجازی و تسلط بر آن.

نسل جدید در بسیاری موارد کارهایی انجام می‌دهند که نسل‌های قبل‌تر توان و جسارت آن را نداشتند و ندارند. هر چند تربیت این‌گونه فرزندان به‌خصوص در محیط آموزشی و مدرسه کار بسیار سختی است، ولی به‌شدت باید از نفی چگونگی رفتار و اندیشیدن آن‌ها پرهیز کرد. ما باید در خانه و مدرسه زمینه‌هایی را فراهم سازیم که اشتیاق و انرژی درونی فرزندان مبتنی بر دستاوردهای عصر جدید شناسایی شود و در مسیر فلاح و صلاح قرار گیرد و گوهر وجودی آن‌ها هویدا شود که این همان رسالت واقعی در عرصه تعلیم و تربیت است.

سال‌هاست معلمان، دبیران، کارکنان آموزشی و همه برنامه‌ریزان و تصمیم‌سازان عرصه تعلیم و تربیت به خوبی و با تمام وجود دریافته و لمس کرده‌اند که آموزش، هدایت و تربیت فرزندانشان به مراتب سخت‌تر و پیچیده‌تر از دورانی است که خود آن‌ها دانش‌آموز بوده و پشت نیمکت‌های سه یا چهارنفره در مدرسه‌های دو، سه و یا حتی چهارنوبته می‌نشسته‌اند. ما امروز با نسلی مواجه هستیم که با فناوری‌های بسیار جدید، به خصوص در عرصه اطلاعات و ارتباطات متولد شده است و چه‌بسا منابع ورودی ذهن او بیشتر از آنکه خانواده یا مدرسه باشد، ماهواره، اینترنت، شبکه‌های اجتماعی مجازی، بازی‌های رایانه‌ای و مواردی دیگر از این دست هستند.

اکنون در دوره خاصی از زمان صاحب‌فرزندانی هستیم با پیچیدگی‌های ذهنی فراوان، درون‌گرایی بیشتر و شاید با روحیه جمع‌گرایی، کار و بازی‌های گروهی کمتر. فرزندان که به شدت وابسته و تحت تأثیر عرصه‌های مجازی هستند. پس قاعدتاً نیازمند نگاهی هستیم در سطحی بسیار بالاتر و متفاوت از آنچه در گذشته وجود داشته است.

اینکه در ادبیات محاوره‌ای ما واژه‌هایی همچون غول‌های

علاوه بر همه مواردی که ذکر شد، گویی مسیر زندگی و فراز و فرود اتفاقات جامعه بشری به گونه‌ای رقم می‌خورد که کادر آموزشی باید بیش از هر زمان دیگری ارتباط و اثرگذاری غیرمستقیم و از راه دور و مبتنی بر رسانه را فرا گیرد و بر آن تسلط یابد؛ بخواهیم و نخواهیم هم فرقی ندارد. بسیاری از پدیده‌های زندگی بشری، از جمله آموزش و مدرسه، بعد از کرونا فرهنگ و آداب جدیدی پیدا کرده که ضرورت تغییر در بسیاری از فرایندهای قبلی را به وجود آورده است.

در حال حاضر دانش‌آموز در منزل و در حالی که شاید مشغول بازی باشد، مقابل رایانه قرار گرفته است و کلاس مجازی را تجربه می‌کند. برخی همه این اتفاقات را تلخ می‌پندارند، ولی شخصاً اعتقاد دارم هیچ یک از موارد فوق الزاماً تلخ و یا بد نیستند، بلکه اکثر آن‌ها بیانگر واقعیتی ثابت در زندگی بشر به نام «تغییر» هستند.

با توجه به آنچه ذکر شد، برای همراهی با اتفاقات جاری زندگی بشری و کنترل اثرات آن بر اندیشه و رفتار فرزندان نسل جدید در فرایندهای آموزش و پرورش، توجه به موارد زیر اهمیت فراوان دارد:

● پذیرش تفاوت‌های نسل جدید و پرهیز از نفی آن‌ها

همان‌گونه که ما با نسل قبل از خود تفاوت‌های زیادی داریم و با ورود رایانه، تلویزیون، ماهواره و ... بسیاری از آداب حاکم بر جامعه و به‌جامانده از نسل قدیم را تغییر داده‌ایم، باید تفاوت‌های گفتار، اندیشه و عمل نسل جدید را اولاً به‌عنوان یک واقعیت بپذیریم، ثانیاً به آن احترام بگذاریم و نامطلوب قلمداد نکنیم، ثالثاً هرگز به دلیل کاستی‌هایی که به خصوص در مورد سرعت، جسارت عمل و قدرت انتقال ذهنی نسبت به آن‌ها داریم، فرزندان و دانش‌آموزان خویش را نفی نکنیم و زیر سؤال نبریم.

● مقاومت نکردن در برابر تغییر

«تغییر» پایدارترین رویداد زندگی بشری است. اگر در برابر تغییرات محیطی و ورود پدیده‌های جدید در زندگی مقاومت کنیم، کاری از پیش نخواهیم برد و مانع پیشرفت در زندگی خواهیم شد. به هر حال باید فناوری‌های جدید، اتفاقات محیطی و رویکردهای نسل جدید را به‌عنوان اتفاقاتی طبیعی قلمداد کنیم و با افزایش انعطاف‌پذیری، سازگاری خود و نظام آموزشی را برای همگامی با سرعت تغییرات محیطی افزایش دهیم.

● بهره‌گیری از شیوه آموزش رویشی

از قدیم تا به حال اکثر شیوه‌های آموزشی ماهیت ریزشی داشته‌اند. یعنی معلم همچون ابری پر بار، آنچه را که از علم، تجربه و دانش در اختیار داشته است، به اقتضای نیاز، توان و استعداد دانش‌آموزان، به‌صورت بارانی پربرکت در اختیار آن‌ها قرار می‌داده است. اما اکنون دانش‌آموزان با توجه به مبادی ورودی گسترده‌ای که در اختیار دارند و حاصل فناوری اطلاعات و ارتباطات است، خودشان ایده‌ها، پیشنهادهای و رویکردهایی دارند که معلمان می‌توانند از آن‌ها بهره بگیرند و در فرایندهای آموزشی برای بروز و ظهور استعداد دانش‌آموزان استفاده کنند؛ همچون بذری که از دل خاک می‌روید و باران دانش و تجربه معلم آن را قوام می‌بخشد.

● مطالعه حداکثری و آینده‌پژوهی

نظام تعلیم و تربیت به خوبی می‌داند که بهترین راه پیش‌بینی آینده، ساختن آن است. اگر تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیرندگان نظام آموزشی از طریق آینده‌پژوهی با جست‌وجوی منابع، الگوها، و عوامل تغییر یا ثبات، به تجسم آینده‌های بالقوه و برنامه‌ریزی برای آن‌ها بپردازند، غافلگیر نخواهند شد و می‌توانند عرصه شایسته‌ای برای هدایت و تربیت فرزندان خود فراهم آورند. آینده‌پژوهی بازتاب‌دهنده چگونگی زایش واقعیت «فردا» از دل تغییر (یا ثبات) «امروز» است.

و کلام آخر نقل جالبی از جبران خلیل جبران است که می‌گوید: «فرزندان شما به حقیقت فرزندان شما نیستند. آن‌ها دختران و پسران زندگی‌اند در سودای خویش. آن‌ها از کوچه وجود شما گذر می‌کنند، اما از شما نیستند. اگر چه با شما بمانند، به شما تعلق ندارند. عشق خود را بر آن‌ها نثار کنید. جسم آن‌ها را در خانه خود مسکن دهید، اما روح آنان را آزاد گذارید؛ زیرا روح آنان در «خانه فردا» زیست خواهد کرد که شما حتی در رویا نمی‌توانید به دیدار آن فردا بروید. زمان به عقب باز نخواهد گشت و با دیروز درنگ نخواهد کرد.»

ما باید فرزندان و دانش‌آموزان خویش را برای زندگی در «خانه فردا» تربیت کنیم، به گونه‌ای که آمادگی مواجهه با بسیاری از اتفاقات پیش‌بینی‌نشده آتی را داشته باشند و بتوانند از پس خود و اداره جامعه خویش برآیند؛ که البته کاری بسیار حساس، سخت و پیچیده است. به ویژه اینکه می‌دانیم ما باید فرزندانمان را برای خانه فردایی آماده کنیم که به دلیل جبر روزگار، خود حتی در رویا راهی به آن نداریم.

منابع

۱. آقازاده، احمد (۱۳۹۶).
۲. برایسون، ریچارد (۱۳۹۱).
۳. پایگاه جامع مدیریار (www.modiryar.com).
۴. خلیل جبران، جبران (۱۳۹۴).
۵. صافی، احمد (۱۳۹۳).